خاطرات خانجانی از ستاد انتخاباتی حسن روحانی در گفت‌وگو با «شرق»:

ما در تشکیل دولت نقش «کولبرها» را داریم

عکس: رئوفه رستمی، شرق

فرزانه آئینی

با جهانبخش خانجانی، رئیس ستاد خبری حسن روحانی درباره روند برگزاری انتخابات و فراز و نشیب‌های سیاسی- خبری ایام تبلیغات به گفت‌وگو نشستم. او می‌گوید: «استرس کار ستاد، خبرسازی‌های جعلی رقبا بود. رقیب هر لحظه خبرسازی جعلی می‌کرد و ما باید با آن مقابله می‌کردیم». این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در پاسخ به اینکه از تکرار ناملایمات سال ۸۸ نگران نشدید، تأکید می‌کند: «حامیان حسن روحانی با خط قرمزهای سال‌های اخیر آشنا بودند و به‌همین‌دلیل نه تحریک شدند و نه ملتهب». به روز برگزاری که می‌رسد چهره‌اش کاملا جدی می‌شود و می‌گوید که آن روز من همه فعالان خبری و اطلاع‌رسانی ستاد و شبکه‌های مجازی را کنار هم جمع کردم و لحظه‌ای تصمیم می‌گرفتیم در برابر دروغ و خبرسازی‌ها و البته کاستی‌های وزارت کشور در اخذ رأی مردم چگونه اطلاع‌رسانی کنیم و به مردم امید بدهیم.

حضور پی‌درپی شما در ستادهای انتخاباتی رؤسای جمهور یا کاندیداهای ریاست‌جمهوری در ادوار گذشته شما را به چهره‌ای ستادی بدل کرده است، علت این حضورهای پیاپی چیست و چه شد که در این دوره از رقابت‌ها هم در ستاد حسن روحانی فعال شدید؟

سابقه و سبک مدیریتی من سبب شده است در ادوار مختلف انتخابات یا خودم در ستادهای انتخاباتی مسئولیت داشته باشم و از دوستان دعوت به همکاری کنم یا اینکه دوستان از من برای حضور در کارهای ستادی دعوت کرده‌اند، شاید به این واسطه است که همه من را به نوعی یک چهره انتخاباتی می‌دانند. به شوخی به دوستان می‌گویم ما هم شبیه «کولبر»ها شده‌ایم، بار می‌خورد، روی دوش ما بالا می‌رود؛ ولی پس از انتخابات عده‌ای دیگر از موهبتش بهره‌مند می‌شوند. جدای از این شوخی واقعیت این قصه این است که من یک دغدغه عمومی و کلی دارم و آن این است که فرایند توسعه‌گرایی را به مدار سیاست و اقتصاد بازگردانیم. من فکر می‌کنم فرایند توسعه‌گرایی در کشور دچار اختلال شده است و عناصر توسعه‌یافته کم هستند، این بحث صرف‌نظر از حضور اصلاح‌طلبان یا اصولگرایان در اریکه قدرت است. من معتقدم در پی تاکیدهای بزرگان نظام برای حرکت به‌سوی پیشرفت و تحول باید به سمت یافتن و روی‌کارآوردن عناصر توسعه‌گرا باشیم، عناصری که فهمشان از دولت و ملت فهم درستی باشد.

یک نکته دیگر هم که سبب شده من به عنصر مشترک ستادهای انتخاباتی وابسته به جریان اصلاحات بدل شوم، به سال‌های خدمتم در وزارت کشور بازمی‌گردد و نگاه و ارتباطی که با جامعه سیاسی به دست آوردم. براساس یافته‌ها و تحقیقات من عناصری باید وارد عرصه قدرت شوند که دل در گرو مردم دارند و صرفا مشتاق رسیدن به قدرت نیستند. عشق خدمت به مردم مهم‌ترین فاکتوری است که سبب فعالیت‌های ستادی و سیاسی من شده است. من از سال ۷۵ به‌صورت علنی و شفاف وارد عرصه فعالیت حزبی شدم (هرچند از دوران دبیرستان فعال سیاسی بودم و سال‌ها بعد به عضویت انجمن‌های اسلامی و شورای مرکزی تحکیم وحدت درآمدم). در تمام این سال‌ها در ستادهای انتخاباتی سیدمحمد خاتمی، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، میرحسین موسوی و درنهایت حسن روحانی حضور فعال داشته‌ام و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم صاحب سمت و مسئولیت شده‌ام.

به‌همین‌دلیل در انتخابات اخیر هم احساسم این بود که باید انتخابات را در مسیری قرار دهیم که به‌واسطه آن مردم از فرایند آنچه قرار است در آینده رخ دهد آگاه شوند، به عقیده من در عرصه سیاسی کشور دو جریان تأثیرگذار وجود دارد؛ یکی جریان توسعه‌گراست و جریان دیگر هم اگر نگوییم ضدتوسعه است حداقل غیرتوسعه‌گراست. من حسن روحانی را در این انتخابات کاندیدای جریان توسعه‌گرا دیدم - اگرچه تا رسیدن به نقطه امید ما فاصله بسیار است - به‌همین‌دلیل وقتی دعوت به همکاری شدم وظیفه خودم دیدم که در ستاد انتخاباتی حسن روحانی حاضر شوم و برای گسترش توسعه‌گرایی در کشور تلاش کنم.

برای فعالیت در ستاد انتخاباتی حسن روحانی از طرف چه کسی دعوت شدید و مسئولیت ستاد خبری را پذیرفتید؟

من رسما از طرف آقای علی جنتی که معاونت تبلیغات و اطلاع‌رسانی ستاد انتخاباتی به او محول شده بود دعوت به کار شدم. بعد از حضورم در ستاد خبری از طرف مرتضی بانک هم به یک اتاق فکر دعوت شدم و بعد هم محمد شریعتمداری وظایف دیگری به من سپردند.

حضور در ستاد انتخاباتی و همکاری با مردان مورد اعتماد حسن روحانی چگونه بود؟

من تا پیش از این همکاری مستقیم انتخاباتی با محمد شریعتمداری را تجربه نکرده بودم؛ اما حضورم در ستاد تجربه خوبی بود، محمد شریعتمداری انسان فهیم، توسعه‌یافته و بااخلاق و نجیب و با سعه‌صدر بسیار است. او به‌عنوان رئیس ستاد انتخاباتی فشارهایی که به ستاد وارد می‌شد، اهانت‌ها و تخریب‌ها و شلوغ‌کاری‌هایی را که می‌شد و در ستادهای دیگر رخ نمی‌داد یا حداقل کمتر دیده می‌شد با سعه‌صدر بالایی رفع و رجوع می‌کردند.

از این حواشی که اشاره کردید می‌توانید چند نمونه‌ای را شرح دهید؟

نه، چون نمی‌توانم تاوانشان را بپردازم.

پیش از اردیبهشت ۹۶ آخرین حضور شما در ستادهای انتخاباتی به سال ۸۸ بازمی‌گشت که بابت مسئولیت و اموری که در آن ایام هم بر عهده داشتید، بازداشت و محکوم شدید، این محکومیت برای شما محرومیت‌های سیاسی - اجتماعی به همراه آورد و خانواده‌تان نیز در این مسیر تجربه ناخوشایندی داشتند، آیا از تکرار این تجربه نگران نبودید؟

نگرانی که وجود داشت و دارد، اما تحلیل ما این بود که آقای روحانی در این شرایط «خیرالموجودین» بود، نه اینکه بگوییم او تمام خواسته‌های ما را هم‌پوشانی می‌کند، اما شرایط انتخابات به‌گونه‌ای بود که باید می‌دیدیم کدام کاندیدا بیشترین هم‌پوشانی را با اصول مورد نظر ما داشت و درعین‌حال انتخاب او کمترین تبعات منفی را به ارمغان می‌آورد. در این شرایط بود که حسن روحانی مورد تأیید احزاب اصلاح‌طلب، شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و اصولگراهای معتدل قرار گرفت. البته همین اعلام حمایت گسترده هم برای امور تبلیغاتی و انتخاباتی حسن روحانی مشکلاتی ایجاد کرد؛ اما دو عامل مانع تکرار حوادث ۸۸ شد؛ یکی اینکه ما اجازه ندادیم تحریکات رقیب بر ما تأثیر بگذارد و به تعبیری در دام آنها نیفتیم. دومین دلیل هم اینکه تدبیر خوب آقای شریعتمداری و دیگر رؤسای ستاد یعنی آقایان بانک و جنتی برای رعایت معیارهای اخلاقی بیش‌ازپیش و در راستای پیشگیری از فضاسازی رقیب بود.

در این فضا برای شما حاشیه‌ای ایجاد نشد؟

حواشی که همیشه هستند، من همان روزها وقتی به یکی از دستگاه‌های مسئول برای ارائه توضیحاتی رفتم، گفتم که ما وطن‌مان را دوست داریم، به قانون اساسی و میراث امام اعتقاد داریم، به رهبری معظم نظام هم علاقه‌مند و ملتزم هستیم، پس طبیعی است که دلمان بیشتر از برخی مدعیان برای کشور و مردم می‌سوزد.

فعالیت در ستادهای انتخاباتی به دلیل گشایش فضای سیاسی و رقابت بین کاندیداها و حامیانشان که در ایام انتخابات شاهد آن هستیم، خاطره‌ساز و به‌یادماندنی می‌شود، از جمله برنامه‌های ماندگار ستاد روحانی برگزاری همایش «سلام آزادی» بود که پس از آن، تصویر خندان و همنوایی شما با جمعیت در فضای مجازی دست‌به‌دست شد، از آن روز و حواشی آن برنامه خاطره‌ای دارید برای ما بگویید؟

آن همایش را جوانان و هنرمندان برگزار کردند و ما هم سعی کردیم در بخش رسانه‌ای و انعکاس خبری به آنها کمک کنیم، من از سال ۷۴-۷۵ همراه جوانان بودم به همین دلیل هم برنامه‌ای نیست که از سوی جوانان برگزار شود و من نقشی در آن نداشته باشم. من همواره خودم را با جوانان همراه و همگام کرده‌ام. چون جوانانی که مسئول برگزاری این دست مراسم می‌شوند به نوعی با من در ارتباط هستند.

خب، طبیعی بود که وقتی برگزاری همایش سلام آزادی در دستور کار قرار گرفت، من هم فعال شدم و با آقایان کبیری و شیرزاد همکاری کردم و در آنجا حضور یافتم. در همایش آزادی، فضای لذت‌بخشی حاکم بود، حضور غرورآمیز جوانان در حمایت از کاندیدای محبوبشان بی‌نظیر بود، من آن روز خیلی خوشحال بودم چون چنین حضورهایی نقطه اتکای اقدامات انتخاباتی است.

گذشته از اهمیت سیاسی - تبلیغاتی آن گردهمایی، همایش سلام آزادی برای من خاطرات گذشته را زنده می‌کرد. این همایش اما در زمانی سبب گریه‌کردنم در اوج شادی آن روز شد. پخش تصاویری از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در نماهنگی انتخاباتی من را دلتنگ آیت‌الله کرد و جای خالی آیت‌الله هاشمی بیشتر از هر زمانی احساس شد. آیت‌الله هاشمی از معدود روحانیون سده اخیر بود که توسعه‌یافته فکر می‌کردند و توسعه‌گرا بودند.

یادم هست که در آخرین دیداری که با آیت‌الله داشتم طرحی را درباره توسعه‌گرایی و لزوم برنامه‌ریزی برای توسعه‌گرایی با او مطرح کردم. آیت‌الله از کلیت طرح من خیلی خوشحال شدند و گفتند: «خیلی خوشحالم که شما به این مرتبه رسیدید که بنشینید و برای ۵۰ سال آینده کشور برنامه‌ریزی کنید».

از برهم‌خوردن نظم همایش و کارشکنی جمعی علیه آرامشی که وجود داشت نگران نبودید؟

نه، به نظرم بخشی‌هایی که مسئولیت امنیت را برعهده داشتند، خیلی تلاش می‌کردند که فضا را آرام کنند و هم‌زمان از ورود عناصر ملتهب‌کننده هم جلوگیری می‌کردند، از سوی دیگر خود مسئولان ستاد و فعالان ستاد هم رعایت می‌کردند، درست است که مسائلی مثل رفع حصر مطرح می‌شد، اما حامیان حسن روحانی با خط قرمزهای سال‌های اخیر آشنا بودند و به .همین دلیل نه تحریکی اتفاق افتاد و نه فضا ملتهب شد

ستاد انتخاباتی حسن روحانی در روز رأی‌گیری با یک چالش بزرگ مواجه شد و آن زمان‌بربودن پروسه رأی‌گیری و ازدحام جمعیت در حوزه‌های اخذ رأی بود و بعد هم تعلل برای استمرار زمان رأی‌گیری پس از نیمه‌شب و دلسردی مردمی که پای حوزه‌های رأی‌گیری رفته بودند. حال‌وهوای آن روز و شب شما در ستاد انتخاباتی چگونه بود؟

من به‌واسطه تجربه‌هایم- مدیرکل روابط‌عمومی وزارت کشور و دبیری شورای اطلاع‌رسانی وزارت کشور- در شوراهای مهم این وزارتخانه شرکت می‌کردم؛ به همین دلیل هم حدس می‌زدم که استقبال از انتخابات چنین باشد و حتی این پیش‌بینی را در ملاقات‌های حضوری و حتی تلفنی به مسئولان وزارت کشور اعلام کردیم تا برای اخذ رأی مردم تدابیر و تسهیلات بیشتری اتخاذ شود. متأسفانه یک بی‌تدبیری بزرگی صورت گرفت و عدم پیش‌بینی آن حجم مردم، آن هم در ساعت‌های اولیه رأی‌گیری مسئولان وزارت کشور را غافلگیر کرد و نتیجه هم خستگی و انتظارهای طولانی مردم بود. جالب بود که فرماندار اعلام کرده بود برای تأیید هویت رأی‌دهندگان یک دقیقه زمان لازم است و معطلی مردم برای دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات قابل پیش‌بینی بود؛ یعنی براساس گفته فرماندار وقتی در ساعت‌های اولیه رأی‌گیری ۲۰۰ نفر در حوزه‌های اخذ رأی حضور یافتند، برای اخذ نفر دویستم حداقل ۲۰۰ دقیقه زمان معطلی وجود داشت. که همین هم شد.

من ساعت ۹ صبح روز انتخابات وقتی به نزدیک‌ترین حوزه اخذ رأی به ستاد یوسف‌آباد رفتم، ۲۰۰ نفر در صف رأی‌گیری بودند، همان موقع بلافاصله با استاندار، فرماندار و معاونان وزیر کشور تماس گرفتم و به‌عنوان کسی که مسئولیتی در ستاد داشتم و تجربیاتی که در وزارت کشور کسب کرده بودم به آنها گفتم که فرایند رأی‌گیری دچار اختلال می‌شود و مردم اذیت می‌شوند.

با توجه به اینکه روحانی تجربه چیدن کابینه اول را دارد، به‌همین‌دلیل دیگر خبری از تشکیل کارگروه‌هایی برای معرفی و بررسی رزومه گزینه‌های مد نظر نیست. البته طبیعی است که آقای روحانی در این امر مهم از مشاورت با آقای جهانگیری به‌عنوان معاون اولش و هم‌نظری با مشاورانی مانند آقایان نجفی و شریعتمداری هم بهره خواهد برد

اگر نهادهای مرتبط روند و ثبت کد ملی را در همان ابتدا تسهیل می‌کردند یا تعداد صندوق‌های سیار را با رعایت قواعد و قوانین افزایش می‌دادند، طبیعتا چنین مشکلی پیش نمی‌آمد. متأسفانه در برخی مناطق تهران، افراد شش، هفت ساعت رأی‌گیری‌شان طول کشیده بود؛ مثلا خانواده من شش ساعت در صف بودند، رأی‌دادن خودم من در یکی از خلوت‌ترین حوزه‌های رأی‌گیری نزدیک به سه ساعت طول کشید. جالب این بود، وقتی که در صف به یک پیرمرد برخوردم و گفتم که این صف باعث آزار شما شده است و خواستم به نحوی از او دلجویی کرده باشم، او خیلی قاطع و شعارگونه گفت: «آینده کشور می‌طلبد که من چند ساعت در صف رأی باشم و بمانم».

مسئله دیگری که در زمان انتظار برایم خاطره‌ساز شد، این بود که خانمی ناراحت و خسته از صف طولانی و کندی روند رأی‌گیری با حالت اعتراض می‌خواست حوزه رأی‌گیری را ترک کند؛ اما خانم دیگری با نهیب و فریاد به او گفت: «نرو، چرا می‌روی، فکر می‌کنی اگر بروی معلوم نیست چه کسی رأی می‌آورد و آینده ما را خراب می‌کند!». این زیباترین صحنه در تمام مدت حضورم در ستاد انتخاباتی بود. در کنار این دلگرمی‌ها؛ اما استرس کار ستاد، خبرسازی‌های جعلی رقبا بود. رقیب هر لحظه خبرسازی جعلی می‌کرد و ما باید با آن مقابله می‌کردیم.

آن روز من همه فعالان خبری و اطلاع‌رسانی ستاد و شبکه‌های مجازی را کنار هم جمع کردم و لحظه‌ای تصمیم می‌گرفتیم در برابر دروغ و خبرسازی‌ها و البته کاستی‌های وزارت کشور در اخذ رأی مردم چگونه اطلاع‌رسانی کنیم و به مردم امید بدهیم، تمام تلاش ما در ستاد خبری این بود که سلبی عمل نکنیم و ایجابی مردم را به ماندن در حوزه‌های رأی‌گیری تشویق کنیم. در همین راستا هم ارتباط خوبی بین حوزه رسانه و اطلاع‌رسانی و بخش شبکه‌های مجازی ایجاد شده بود که عملکرد منحصربه‌فردی را از خود به یادگار گذاشتند.

تمدید زمان رأی‌گیری و تعلل دستگاه‌های مربوطه برای اعلام قاطع آن به حاشیه روز آخر رأی‌گیری بدل شده بود، از آن حال‌وهوا برای ما بگویید.

وزیر کشور باید پاسخ دهند به چه دلیل و چرا وزارت کشور در تمدید زمان رأی‌گیری تعلل می‌کرد؟ وزارت کشور باید پاسخ دهد که چرا وقتی خبر تمدید زمان رأی‌گیری را رسما اعلام می‌کرد، در برنامه‌های صداوسیما زیرنویس می‌شد که رأی‌گیری پایان یافت! این حرکت خیلی بدی بود، من اصلا در باب صداوسیما وارد نمی‌شوم؛ چون بعید می‌دانم در شرایط فعلی تأثیری داشته باشد؛ ولی وزیر کشور طبق آیین‌نامه موظف به تمدید زمان رأی‌گیری بود. عین عبارت آیین‌نامه این است: «پس از اتمام ساعت رأی‌گیری همه کسانی که در شعب حضور دارند، به داخل شعبه‌ها هدایت می‌شوند و سپس درهای شعب بسته می‌شود و پس از اطمینان از اخذ رأی از همه کسانی که در شعب حضور دارند، در صندوق‌ها باز می‌شوند و آرا شمرده می‌شود». این در حالی است که طبق اطلاع موثق و براساس اظهارات خود اعضای شورای نگهبان و وزارت کشور، بعد از ساعت ۲۴ از خیل عظیمی از مردم و طبق گفته رئیس‌جمهور حداقل چهار میلیون نفر رأی گرفته نشد. من خودم در سرکشی از ستادهای یوسف‌آباد ناراحتی و حتی گریه مردمی را که از آنها رأی گرفته نشده بود، دیدم.

این اشتباه و خسران بزرگی برای ما بود که نتوانستیم رأی مردم را اخذ کنیم. آنچه این خسران را بزرگ‌تر می‌کند، این است که بخشی از این آرا، آرای خاموشی بودند که تابه‌حال در انتخابات گذشته شرکت نکرده بودند و در این دوره احساس تکلیف کردند و پای صندوق رأی آمدند.

شب انتخابات با وجود تعهد وزارت کشور برای اعلام تدریجی شمارش آرا تا چند ساعت خبری از نتایج آرا نبود و درعین‌حال هم خبرسازی‌های رقبا نگران‌کننده بود. در آن ساعت‌ها نگران نشدید؟

شب انتخابات به‌گونه‌ای نبود که ما از روند شمارش آرا مطلع نشویم. من سال‌های سال در وزارت کشور بودم. شرایط و فرایند اطلاع‌یابی ما به‌گونه‌ای است که ما لحظه‌به‌لحظه مطلع می‌شدیم که در کدام صندوق‌ها چه آرایی ریخته شده است. به‌خاطرهمین دل‌نگرانی از نتیجه انتخابات نداشتیم؛ هرچند ما از شبِ روز رأی‌گیری تا ساعت ۹ صبح روز بعد که آرا اعلام شد، لحظه‌به‌لحظه اخبار را با آقایان بانک، شریعتمداری و جنتی چک می‌کردیم و همگی بیدار بودیم. تا اعلام نتایج هم همگی به پیروزی روحانی واقف بودیم.

این روزها بحث رایزنی بر سر کابینه دوازدهم داغ است و هرازگاهی خبرهایی درباره ورودی و خروجی‌های کابینه شنیده می‌شود. آیا شما به‌عنوان یکی از فعالان ستاد روحانی در جریان این گمانه‌زنی‌ها هستید؟

بله، این روزها خیلی پرخبر است. دراین‌میان برخی خودشان را سر زبان‌ها می‌اندازند و برخی دیگر کاسبان پُست هستند و اتفاقا خیلی هم زرنگ و وارد هستند؛ اما روند چینش کابینه شفاف است و اولین گام اصلی و مرسوم آن هم مشورت رئیس‌جمهوری با مقام معظم رهبری است که نه کتمان‌کردنی است و نه قابل تحلیل و تبیین. این روال در همه دولت‌ها صورت گرفته و استمرار هم خواهد یافت. تاآنجاکه من می‌دانم، تاکنون رئیس‌جمهوری با کسی برای ماندن یا رفتن از کابینه صحبت نکرده‌اند و با توجه به اینکه روحانی تجربه چیدن کابینه اول را دارد، خودش دیگر دارای شناخت کافی برای چیدمان کابینه است؛ به‌همین‌دلیل دیگر خبری از تشکیل کارگروه‌هایی برای معرفی و بررسی رزومه گزینه‌های مدنظر نیست. البته طبیعی است که آقای روحانی در این امر مهم از مشاورت با آقای جهانگیری به‌عنوان معاون اولش و هم‌نظری با مشاورانی مانند آقایان نجفی و شریعتمداری هم بهره خواهد برد.

شما برای مسئولیتی در مجموعه دولت، پیشنهادی داشته‌اید؟

قبلا هم گفتم که ما نقش «کولبر» را در انتخابات بازی می‌کنیم (می‌خندد) بار بخورد، می‌آوریم بالا.

خیر، تاکنون پیشنهادی نداشته‌ام؛ اما خودم به صورت جدی پیگیر به‌ثمرنشستن ایده‌ای هستم که هدفش شکل‌گیری «باشگاه یا کانون مدیران توسعه‌یافته» است؛ تشکلی برای اجتماع و حضور مدیرانی که هدفشان توسعه‌یافتن کشور است و برای توسعه‌یافتگی آن برنامه‌ریزی می‌کنند. من این ایده را با آقایان شریعتمداری و جهانگیری در میان گذاشته‌ام و هم‌اکنون برای تحقق آن رایزنی و تلاش می‌کنم.

پیروزی روحانی کام هوادارانش را شیرین کرد؛ اما این پیروزی وظیفه دشواری را بر گردن نزدیکان رئیس‌جمهوری گذاشته است و توصیه شما دراین‌باره به همراهان نزدیک به روحانی چیست؟

من به واسطه همین حمایت بی‌نظیر مردم از حسن روحانی و فهرست اصلاح‌طلبان برای شورای شهر، بارها و بارها حضوری و مجازی به نزدیکان رئیس‌جمهور و اعضای شورای شهر گفتم که مردم ما را شرمنده کردند. کاری نکنیم که بعد از چهار سال ما شرمنده مردم شویم.

آینه

جمهوری اسلامی

تلاش ناشیانه برای تحریف تاریخ انقلاب اسلامی

● شبکه استعماری بی‌بی‌سی، بوق تبلیغاتی دولت لندن در یک اقدام ناشیانه و مضحک تلاش کرد با تحریف واقعیت‌های عینی و ملموس تاریخ معاصر انقلاب اسلامی به بازنویسی تاریخ به‌دلخواه خود و با اهداف استعماری بپردازد. بی‌بی‌سی در این به اصطلاح میزگرد به بهانه فیلم‌های روایتگر تاریخ دوران اولیه انقلاب به طرز ناشیانه‌ای به تحریف تاریخ پرداخت تا با جانبداری از گروهک‌های محارب و جنایت‌کار تروریستی، آنها را مظلوم و بی‌گناه جلوه دهد! ... مشکل اینجاست که استعمار روسیاه انگلیس هنوز هم حافظه تاریخی ملت بزرگ ایران را دست‌کم گرفته و این‌گونه وقیحانه به «تطهیر داعش‌های دیروز» پرداخته است. وجود ۱۷ هزار شهید ترور در ایران به‌خوبی نشان می‌دهد که ملت و انقلاب اسلامی قربانی ترور بوده است. اما آنچه به بی‌بی‌سی مربوط می‌شود این است که این رسانه استعماری مدت‌هاست در گرداب تحلیل‌های وارونه غرق شده و نباید از فرورفتگان در چنین گردابی بیش از این انتظار داشت.

کیهان

نشانه‌های سندروم استکهلم!

● **محمد صرفی:** «کلید چرخید ایران خندید»، «دنیا به احترام ایران ایستاد»، «آغاز عصر ایرانی»، «جهان تغییر کرد»، «ایران بر قله توافق»، «انفجار امید»، «خورشید درخشان شد تا باد چنین بادا»، «جشن دستیابی مطالبات هسته‌ای با نرمش قهرمانانه»، «پیروزی بدون جنگ»، «انفجار اتمی بدون بمب»، «پا به پای شادمانی‌های مردم»، «حصر ایران شکست»، «روز خوب توافق اتمی»، «کلید تدبیر قفل تحریم‌ها را گشود»، «خجسته باد این پیروزی»، «توافق عزتمندانه»، «گل صدبرگ توافق شکفت»، «مهر تدبیر بر پیشانی تحریم»، «توافق قهرمانانه ایران»، «فتح‌الفتوح دیپلماسی ایران»، «توافق تاریخی»، «غروب تحریم، ساحل توافق» و... «سندروم استکهلم» وضعیتی است که در آن گروگان حس یکدلی و همدردی و احساس مثبت نسبت به گروگانگیر پیدا کرده و در مواقعی این حس تا اندازه‌ای است که از کسی که جان، مال یا آزادی‌اش را تهدید کرده، دفاع نموده و به صورت اختیاری و با علاقه خود را تسلیمش می‌کند! آیا عده‌ای در ایران، نسبت به دشمن دچار «سندروم استکهلم» شده‌اند؟!

اعتماد

توافقی بر پایه سه اصل عزت، حکمت و مصلحت

● **بهرام قاسمی:** ... مذاکرات هسته‌ای و توافق حاصل از آن را می‌توان شکست پروژه ایران‌هراسی و پایانی بر انگاره باطل و موهوم بازیگر غیرخردمند دانست؛ بنابراین شاید بتوان بزرگ‌ترین توفیق و دستاورد حاصل از توافق برجام، حتی فراتر از دستاوردهای عظیم لغو تحریم و تثبیت حقوق هسته‌ای را پذیرش ایران اسلامی به‌عنوان بازیگری خردمند، مسئولیت‌شناس و قابل احترام از سوی نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ آن دانست. ترجمان عینی و عملی این پذیرش و شناسایی، خروج کشورمان از ذیل فصل هفتم منشور و لغو قطعنامه‌های غلاظ و شداد شورای امنیت، بدون تمکین در برابر آنها و تنها از طریق دیپلماسی و مذاکره است. این مذاکرات، بیش از هرچیز توان بالای دیپلماسی و دیپلمات‌های کشورمان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم را به رخ جهانیان کشید و جایگاه کشورمان به‌عنوان بازیگری خردمند و قابل احترام را تثبیت کرد...

جوان

برجام و ۲ سالگی مدارا با آمریکایی‌ها

● **محمد اسماعیلی:** در دو سالگی توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ این سؤال را باید مطرح کرد که آیا طبق رسم مألوف، این دو سالگی را باید جشن بگیریم و به آن افتخار کنیم یا خیر. محمدجواد ظریف با اظهارات روز گذشته‌اش در نیویورک مبنی بر اینکه «متأسفانه آمریکا ضمن اینکه حداقل ماندگاری را در این توافق داشته است ولی با اجازه‌ندادن به ایران در بهره‌بردن از منافع کامل این توافق در عمل‌کردن به روح این توافق شکست خورده است». پاسخ به پرسش بالا را بدون فوت وقت داده، اما لازم است با طرح ادله‌ای متقن، چرایی به‌کارگیری ادبیات شکست توسط وزیرامورخارجه کشورمان پس از گذشت ۷۰۰ روز از روز امضای برجام در آمریکا ارزیابی شود. باید بالطبع نگاه محمدجواد ظریف در ۹۶/۰۴/۲۳ نگاه سابق به غرب را تغییر داد؟ آیا بعد از امضای برجام اوضاع اقتصادی مردم بهتر شد؟ از حجم و دامنه تحریم‌های ضدایرانی کاسته شد؟ تهدیدات نظامی علیه کشورمان کاهش یافت؟ نام ایران دیگر ذیل فصل هفتم شورای امنیت نیست؟ ایران به‌راحتی می‌تواند موشک آزمایش کند؟ توطئه‌ها و دشمنی‌های نظام سلطه علیه ایران افزایش داشته یا کاهش؟

نگاه

نگاه تاریخی ایران به تهدید «تغییر رژیم» از سوی آمریکا

حسین موسویان*

● برداشت غالب در حلقه‌های سیاسی آمریکا و متحدانش این است که ایران به دنبال سلطه بر خاورمیانه است. اسرائیل و سایر کشورهای منطقه مکرر ادعا کرده‌اند که ایران می‌خواهد «امپراتوری پارسی» را احیا کند؛ باوجودی‌که مقام‌های ایرانی بارها این ادعا را مضحک خوانده و آن را رد کرده‌اند. واقعیت این است که این موضوع مرکز ثقل اختلافات فعلی آمریکا و متحدانش با ایران است. برخلاف ادعاهای مذکور، ایرانی‌ها همواره خود را قربانی تجاوزات قدرت‌های متخاصم خارجی در تاریخ معاصرشان می‌بینند و در تلاش‌اند تا امنیت خود را حفظ کنند. از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، سلسله‌ای از رویدادها و عوامل سبب شدند تا تهران به این باور برسد که واشنگتن و متحدانش در منطقه، به دنبال تغییر رژیم و تجزیه کشور هستند. در مجموع، شش عامل از زمان انقلاب ۱۳۵۷ این استنباط را در میان ایرانیان به وجود آورد که در معرض تهدید قرار دارند:

● **نخست:** چالش‌های دهه ۱۳۶۰، به‌ویژه جنگ ایران و عراق و شورش تجزیه‌طلبان در استان‌های کردستان و خوزستان که جان صدها هزار نفر را گرفت و صدها میلیارد دلار خسارت بر جا گذاشت. آمریکا و متحدانش در حاشیه خلیج فارس، نقشی مهم در ایجاد بحران ایفا کردند. آنان به تجزیه‌طلبان کمک رساندند و هرگونه حمایت ممکن را به صدام حسین ارائه دادند. ازجمله این کمک‌ها می‌توان به موشک‌های بالستیک و سلاح‌های شیمیایی اشاره کرد که برای کشتار استفاده شد.

● **دوم:** نظامی‌شدن روزافزون منطقه که ایران از زمان انقلاب تاکنون در سراسر مرزهایش مشاهده می‌کند. نه تنها ایران در حلقه پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد؛ بلکه سیل سلاح‌های آمریکایی نیز مستمرا به منطقه، به‌ویژه خلیج فارس، سرازیر است. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، به سعودی‌ها بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار اسلحه فروخت که رکورد این فروش را نسبت به دولت‌های پیش از خود شکست. درعین‌حال دونالد ترامپ دست اوباما را نیز از پشت بست. امروز ایران با وجود آنکه دو برابر عربستان سعودی جمعیت دارد، یک‌پنجم این کشور بودجه نظامی صرف می‌کند. حتی امارات متحده عربی با جمعیت بومی یک‌میلیون‌و ۴۰۰ هزار نفری خود، دو برابر ایران بودجه نظامی هزینه می‌کند.

● **سوم:** تحریم‌های بی‌نظیری که ایران از سال ۱۳۵۷ تا به حال در معرض آنها قرار دارد. حتی با وجود آنکه ایران به دقت مفاد توافق اتمی تیر ۱۳۹۴ را رعایت می‌کند، کنگره آمریکا به دنبال وضع دور جدیدی از تحریم‌هاست. چنین تحریم‌هایی مدت‌هاست از سوی اسرائیل و عربستان سعودی با هدف زمین‌گیرکردن اقتصاد ایران، تشویق می‌شوند.

● **چهارم:** جنگ‌های پنهان آمریکا و متحدانش در شکل حملات سایبری، ترور و حمایت از گروه‌های تروریستی مانند سازمان بدنام مجاهدین خلق. اخیرا نیز آمریکا به قصد تقویت این تاکتیک‌ها، یک واحد ویژه ایران در سازمان سیا تحت هدایت فردی با خصوصیات شدیدا تندرو به نام مایکل دی‌آندریا، تأسیس کرده است. در واقع، همه دولت‌های آمریکا از سال ۱۳۵۷، سیاست «تمام گزینه‌ها روی میز است» را دنبال کرده‌اند.

● **پنجم:** موضع تقابلی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی که امروزه گفته می‌شود ریاض را به سوی برقراری روابط استراتژیک با اسرائیل سوق داده است. ایران و عربستان سعودی در چارچوب سیاست حسن‌نیت اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهوری فقید ایران، در مذاکرات نگارنده با عبدالله بن عبدالعزیز، ولیعهد آن زمان سعودی، به تنش‌زدایی دیپلماتیک رسیدند و از سال ۱۹۹۶ میلادی روابط خوبی را تجربه کردند. حدودا در همان زمان، حسن روحانی که دبیر شورای‌عالی امنیت ملی بود، با وزیر کشور وقت سعودی، محمد بن نایف، به توافق امنیتی دست یافت. بااین‌حال، در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد که جو بین‌المللی برای فشار و تحریک جنگ علیه ایران، مساعد شده بود، عربستان این توافق را زیر پا گذاشت.

● **ششم:** ایران با تهدیدهای جدی در مرزهایش مواجه است. این تهدیدها از جانب گروه‌های تروریستی، کشورهایی با دولت‌های ناتوان مانند عراق، سوریه و افغانستان یا کشوری با بمب هسته‌ای مانند پاکستان، وجود دارند. آن‌گونه که یک مقام نظامی ایران گفته است، در قریب به ۶۰ درصد از مرزهای ایران «هیچ کنترلی از جانب دولت‌های کشور همسایه اعمال نمی‌شود».

ریشه دلایل کج‌فهمی‌ها درباره نیت‌های منطقه‌ای ایران، در فقدان گفت‌وگو میان قدرت‌های منطقه‌ای نهفته است. ثبات منطقه و ریشه‌کنی تروریسم تنها با مفاهمه و همکاری همه‌جانبه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی ممکن است. با وجود آنکه سیاست دولت ترامپ در منطقه بر مداخله نظامی استوار است، هیچ بحرانی در منطقه بدون دیپلماسی دقیق و حساب‌شده، راه‌حلی ماندگار ندارد.گفتنی است که مذاکرات منتج به توافق هسته‌ای، مدلی مفید برای حل بحران از طریق دیپلماسی چندجانبه ایجاد کرده که این مدل می‌تواند برای تسهیل توافق و رفع بحران‌های جاری در منطقه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

***دیپلمات پیشین ایران**

منبع: پایگاه خبری المانیتور/ ایسنا